

نوع مقاله: ترویجی

بررسی و نقد فرضیه دو ایوب با تکیه بر آیات قرآن

rakhshani.rezvan@yahoo.com

rdimeh@quran.ac.i

ftm.rakhshani@gmail.com

کج رضوان رخشانی / کارشناس ارشد علوم قرآن دانشگاه علوم و معارف قرآن مشهد

محسن دیمه کار گراب / استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم واحد مشهد

فاطمه رخشانی / دانشجوی کارشناسی علوم قرآن دانشگاه علوم و معارف قرآن مشهد

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱

چکیده

براساس فرضیه دو ایوب، ایوب به نگارش درآمده در تورات، تحت عنوان دو ایوب، که به منابه ایوب متقی و ایوب منتقد، ناشکیب و شکوه‌گر که مورد ظلم و بی‌مهری خداوند قرار گرفته، ظاهر گشته است. این دوگانگی شخصیتی ایوب در کتب اسلامی و ادبیات عرب نیز مشاهده شد. این مقاله با مهار پیش فرض‌ها با رجوع گسترده به کاربردهای قرآنی و سنت تفسیری با هدف دفاع از ساحت این پیامبر خدا، درصدد بررسی و نقد این فرضیه برآمده است. پژوهش فرارو با روش توصیفی - تحلیلی و تطبیقی با گریزهای تاریخی میان آیات وحیانی و کتاب تورات به بررسی و نقد این فرضیه برآمده است. نتایج حاکی از آن است که شخصیت دوگانه ایوب، ناشی از شیوه نگارش تورات، متأثر از انقطاع زمانی، فرهنگ و تفکر یهود و اهداف نویسندگان آن، شکل گرفته است. این تفکر که در تضاد با آیات قرآن است، با گذشت زمان به متون دیگر راه یافته است.

کلیدواژه‌ها: فرضیه دو ایوب، ابتلاء انبیاء، اسرائیلیات، صبر، نگارش تورات، تسلط شیطان.

مقدمه

نویسندگان در این بخش با نظر به استفاده از روش نقد تاریخی، درصدد اثبات نقد تحریری کتاب برآمده‌اند؛ به این معنا که چندین مؤلف یا محرر دست‌اندر کار ویرایش، تدوین و جرح و تعدیل آن در دوره‌های مختلف زمانی بوده‌اند. ایشان با بیان نظرات دیگر اندیشمندان خارجی پیرامون فرضیه دو ایوب، وجود دو شخصیت ادبی متمایز از او را به نگارش درآورده است، تا ثابت کند کتاب ایوب توسط دو مؤلف متمایز با دو رویکرد متفاوت، نگاشته شده است. این مقاله با این اعتقاد که تدوین کتاب ایوب از بخش گفت‌وگوها (ایوب منتقد) آغاز شده است؛ تدوین نهایی آن را توسط شخص دیگری به‌عنوان ویراستار نهایی پذیرفته است.

اما نوآوری پژوهش فرارو نسبت به مقاله پیش گفته در این است که نوشتار حاضر بعد از مشاهده شخصیت دوگانه ایوب در کتب تفسیری اسلامی و متون ادبیات عرب، بر آن شده تا با بررسی جامع و کامل آیات قرآن، تفاسیر و کتاب ایوب تورات، درصدد یافتن خاستگاه این فرضیه و نقد آن برآید. بدین ترتیب با دفاع از ساحت این پیامبر خدا، ثابت شد که نگاشته‌های یهود که متأثر از فرهنگ زمانه و شیوه نگارش تورات بوده است، بعدها در قالب اسرائیلیات و جعل حدیث یا شعر، به کتب دیگر راه یافته است. مهم‌ترین وجه تمایز این پژوهش با مقاله فوق، آن است که در این مقاله نتایج، گواه آن است که تدوین کتاب ایوب از بخش ایوب شکیب آغاز گشته که بعدها ایوب منتقد به آن اضافه شده است.

لازم به ذکر است در این جستار منظور از ایوب اول، ایوب شکیب و منظور از ایوب دوم، ایوب ناشکیب و منتقد است.

۱. شخصیت دوگانه حضرت ایوب

با نگاه به برخی از متون شخصیتی دوگانه از حضرت ایوب^۱ دیده می‌شود گاه ایشان به‌عنوان فردی صبور و شکرگزار معرفی شده و گاه ناسپاس.

۱-۱. حضرت ایوب در تفاسیر

شخصیت صبور و شکرگزار ایوب که همان ایوب متقی در فرضیه دو ایوب است، بارها در تفاسیر به چشم خورده است (رک: جادالمولی، ۱۳۸۰، ص ۲۹۱؛ بروجرودی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۵۳) و علامه طباطبائی نیز این نظر را پذیرفته‌اند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص

در قرآن کریم از ایوب^۲ به نیکی یاد شده است، که با وجود ابتلاء به ناراحتی جسمی و داغ فرزندان، بی‌آنکه از رضای الهی شکوه کند؛ شکیبایی و استقامت ورزید و به یکی از جلوه‌های کم‌نظیر صبر پدیدار گشت. چنان که فرمود: «وَ اَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ اَنْى مَسَّنَى الضُّرُّ وَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ اَتَيْنَاهُ اَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَ ذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ» (انبیاء: ۸۳-۸۴).

«وَ اذْكَرْ عَبْدَنَا اَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ اَنْى مَسَّنَى الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَ عَذَابٍ ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَ شَرَابٌ وَ وَهَبْنَا لَهُ اَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْآ وَ ذِكْرَى لِّاُولَى الْاَلْبَابِ وَ خُذْ بِيَدِكَ ضِغْتًا فَاُضْرِبْ بِهِ وَ لَا تَخَنْتُ اِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ اِنَّهٗ اُوْبٌ» (ص: ۴۱-۴۲).

اما در بخشی از کتاب تورات که به حضرت ایوب^۳ پرداخته، شاهد شخصیت دوگانه‌ای از این پیامبر خدا هستیم. از این‌رو، بسیاری از محققان از جمله گینسبرگ، باتلن، آلت، فاین، و ایلمان، قائل به دو ایوب هستند و از فرضیه دو ایوب دفاع می‌کنند: ایوب مقدمه و مؤخره (بخش منثور) و ایوب گفت‌وگوها (بخش منظوم) (امینی و جلالی مقدم، ۱۳۹۴)؛ که به ایوب شکیب (Job The patient) و ناشکیب (Job The impatie) نیز تقسیم گشته است (گینسبرگ و جودائیکا، ۲۰۰۷، ص ۳۵۰). ایوب مقدمه و مؤخره به‌مثابه ایوب متقی؛ و ایوب گفت‌وگوها به‌مثابه ایوب منتقد ظاهر می‌گردد (ایلمان، ۲۰۰۳، ص ۳۸۸). بخشی از کتاب ایوب، ایشان را فردی بسیار کم‌صبر و ناشکر جلوه داده و سخنانی از زبانشان بیان شده و حالاتی ناروا به ایشان نسبت داده است. با تأثیرپذیری متون مختلف در طول سالیان متوالی از آموزه‌های تورات، اعتقاد به بی‌صبری و شکوه‌گری حضرت ایوب به برخی متون اسلامی و ادبی نیز راه پیدا کرده است.

اکنون سؤال اصلی این است که نمود این فرضیه در متون تفسیری و ادبیات عرب چگونه توجیه و نقد می‌گردد؟ سؤالات فرعی بحث شامل: ۱. شخصیت دوگانه ایوب در تفاسیر، اسرائیلیات، تورات، اشعار و متون ادبیات عرب چگونه است؟ ۲. ایوب دوم (ناشکیب) چگونه بررسی و نقد می‌شود؟ ۳. زمینه‌های بروز این دوگانگی شخصیتی چه بوده است؟

مقاله یا کتاب مجزایی که پیرامون این موضوع باشد، یافت نشد؛ تنها بخش کوتاهی از مقاله «بررسی و نقد تاریخی کتاب ایوب» (امینی و جلالی مقدم، ۱۳۹۴) به بیان این فرضیه پرداخته است.

انسان عادی نیز او را تنزل داده است؛ برای نمونه: «ایوب، کرمی را که از بدنش افتاده بود برداشته، سر جای خود گذاشت؛ در همین حال آن کرم بدن ایوب را گزیده، او فریاد برآورد و گفت: «وَ أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (انبیاء: ۸۳) اما به او ندا داده شد آیا می‌خواهی خودت را برای ما صابر نشان دهی؟ (قرطبی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۲۱۴) عجیب‌تر آنکه وهب‌بن منبه حتی تعداد کرم‌هایی را که در بدن ایوب ۷۰ افتاده بود، شمارش کرده، رقم آن را چهار هزار کرم گزارش کرده است (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۶ ص ۹۰).

ابن‌عساکر از حسن بصری نقل می‌کند: «هرگاه کرمی از بدن ایوب به زمین می‌افتاد، وی آن را برمی‌داشت و سر جای خود می‌گذاشت، می‌گفت: بخور از این روزی الهی» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۳۰). در نقلی که آن را به حسن بصری نسبت داده‌اند و جریان وسوسه همسر ایوب توسط ابلیس بیان گشته، نمود ایوب متقی پدیدار گشت. آنجا که به همسرش می‌گوید: وای بر تو دشمن خدا به نزد تو آمده و تو را چنین وسوسه کرده است؛ به خدا سوگند اگر شفا یابم تو را صد ضربه شلاق خواهم زد. آیا مرا دعوت می‌کنی که برای غیر خدا قربانی کنم...؟ (همان، ص ۳۲۹).

در تفسیر قمی نیز به دنبال تکرار مضمون روایت وهب‌بن منبه و در پی زبان به شکایت گشودن ایوب، شاهد طلب بخشش او از خداوند هستیم: «... بار دیگر از ابر صدا برخاست... بدین مضمون که ای ایوب چه کسی تو را به این پایه از بندگی رساند؛ درحالی که سایر مردم از آن غافل و محرومند؟ چه کسی زبان تو را به حمد و تسبیح و تکبیر خدا جاری ساخت...؟ ای ایوب آیا بر خدا منت می‌نهی به چیزی که خود منت خداست بر تو؟ در اینجا ایوب مشتی خاک برداشت و در دهان خود ریخت و عرضه داشت: پروردگارا منت همگی از توست و تو بودی که مرا توفیق بندگی دادی. پس خدای عزوجل فرشته‌ای سوی او فرستاد و آن فرشته با پای خود زمین را خراشی داد و چشمه‌آبی جاری شد و ایوب ۷۰ را با آن آب شست و تمام زخم‌هایش بهبود یافت و دارای بدنی شاداب‌تر و زیباتر از حد تصور شد...» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۳۹). در قرآن کریم به صراحت به این نکته اشاره شده که خدا به ایوب ۷۰ فرمان می‌دهد تا پا بر زمین زده و از چشمه‌آبی که برایش می‌جوشد، آبی خنک برای شست‌وشو و نوشیدن بگیرد: «ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَ شَرَابٌ» (ص: ۴۲)، و چنین کاری را برخلاف این روایت، به فرشته

(۲۰۸)؛ موارد ناروایی که بیانگر ایوب دوم باشد نیز مشاهده شد: - پیرامون بی‌صبری آن حضرت، گفته شده پس از دست دادن دختران و پسرانش، صبرش را از دست داد و به شدت گریه کرد و یک مشت خاک بر سرش ریخت (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۶ ص ۲۸۴) و گفت ای کاش به دنیا نیامده بودم و نیست بودم... دشمن خدا از او مسرور گشت؛ سپس ایوب پشیمان شد و توبه کرد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۷، ص ۵۲؛ میبدی، ۱۳۷۱، ج ۶ ص ۲۸۴).

- همچنین پس از بیماری، او را در محل جمع‌آوری زباله‌ها انداختند (الوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۷۶؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۴، ص ۳۰۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۶ ص ۲۹۰). برخی نیز چنین گزارش کرده‌اند که پس از بیماری، مردم شهر او را از شهر بیرون کردند (الوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۷۶؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۴، ص ۳۰۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۶ ص ۲۹۰). - دیگر اینکه از شدت بیماری و عفونت زخم‌هایش، حیوانات و کرم‌ها بر بدن او رفت‌وآمد می‌کردند (ابن‌کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۳۱۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۳۱۵؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۳، ص ۱۰۶؛ علم‌الهدی، بی‌تا، ص ۶۱) حتی گفته‌اند: «لم یکن بایوب اكله، کان یخرج فی بدنه مثل ندى النساء ثم یتفقأ» (الوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۷۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۲۸؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۷، ص ۵۵؛ صنعانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۳۶).

- مورد دیگر، نسبت انجام گناه است؛ چنان که سه تن از دوستان و یاران وی پس از گرفتار شدن به بیماری و ترک ایشان، او را ملامت و شماتت کردند و از او خواستند از گناهی که به درگاه خداوند متعال مرتکب شده، توبه کند (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۶ ص ۲۹۰؛ میبدی، ۱۳۷۱، ج ۶ ص ۲۸۵؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۳۰۵).

- مورد دیگر، شکوه ایوب از خداوند متعال و دادن نسبت ظلم به خداست که پس از شماتت دوستانش، از او سر می‌زند (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۶ ص ۲۹۱-۲۹۲؛ میبدی، ۱۳۷۱، ج ۶ ص ۲۸۶).

نمود ایوب ۱. صبور، شکرگزار و توبه‌کننده؛ ۲. بی‌صبر، گنه‌کار و شاکه که توسط مردم ترک گشته و از شدت مریضی چهره‌ای ناشایست دارد، نشان از وجود فرضیه دو ایوب در تفاسیر دارد.

۱-۲. حضرت ایوب در اسرائیلیات

در اسرائیلیات نیز شخصیت هر دو ایوب به نمایش درآمده است. سرگذشت ایشان چنان مورد تحریف قرار گرفته که گاه از حد یک

الهی منصوب نکرده است. حدیث مذکور در برخی کتب تفسیری نقل شده است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، ص ۲۱۴؛ قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۴۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۰۴؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۶۵؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۶۶۱).

انداختن ایوب در مزبله، احاطه بدن او توسط کرم‌ها، شکوه و شکایت او، می‌تواند ایوب دوم را به ذهن متبادر کند. اما درخواست عذرخواهی او از خداوند، برخورد او با همسرش و وفاداری او نسبت به خداوند، نمود ایوب اول است.

۱-۳. حضرت ایوب در تورات

در تورات بخش مفصلی درباره ایوب^۳ به نام «سفر ایوب» آمده و مشتمل بر ۴۲ فصل است. کتاب در دو بخش کلی منشور و منظوم تألیف شده است: مقدمه، شامل باب ۱ و ۲ و مؤخره شامل باب ۴۲؛ ۱۷-۷ که روایی و منظومند و به‌نظر قدیمی‌تر، باشند (پیک، ۱۹۵۲، ص ۳۴۲). در این کتاب در ابتدا و انتهای آن، ایوب مردی درستکار و خداترس معرفی شده که از گناه دوری می‌ورزید و مال و فرزندان بسیاری داشت. روزی شیطان از خداوند می‌خواهد او را بر دارایی ایوب مسلط کند تا سرشت واقعی‌اش آشکار گردد (ر.ک: سفر ایوب، فصل اول، ۱-۱۲)، تا با ناشکری و ناسپاسی کفران خداوند متعال را بگوید (سفر ایوب، فصل ۵، ۲). سرانجام او با امتناع از عصیان خداوند و موفقیت در این آزمون به بیشتر از آنچه داشته است، دست می‌یابد. اما در بخش منظوم با شخصیت دیگری از ایوب مواجه می‌شویم؛ شخصیتی نالان و شکوه‌گر که از خداوند طلب مرگ می‌کند.

در فصل سوم، ایوب زبان به شکایت باز کرد و شکوه بسیار کرد و روزی را که به دنیا آمده بود، لعن کرد... (ر.ک: سفر ایوب، فصل سوم). در چند جای دیگر نیز شاهد بی‌صبری آن حضرت هستیم: «و اما من آیا شکایت‌م نزد انسان است؟ (یعنی نزد خداست)؛ پس چرا بی‌صبر نباشم؟» (سفر ایوب، فصل ۴، ۲۱) و «ای کاش خدا آرزوی مرا برآورده سازد و مرا بکشد» (سفر ایوب، فصل ۶، ۸ و ۹)؛ و «برایم بهتر بود گلویم را می‌فشردند و خفهام می‌کردند، تا اینکه به چنین زندگی نکبت‌باری ادامه بدهم؛ از زندگی خود بیزارم» (سفر ایوب، فصل ۷، ۱۵ و ۱۶)؛ و «از زندگی سیر شده‌ام؛ پس بگذارید زبان به شکایت گشوده، از تلخی جانم سخن بگویم» (سفر ایوب، فصل ۱، ۱۰).

از یاران او نیز سه تن به نام‌های *الیفاز تی‌مانی*، *بلدد شوحی* و

سوفر (صوفر) *نعماتی*، مصیبت‌های ایوب را ناشی از گناهکاری وی می‌دانند و سخنانشان حاکی از سرزنش و تحقیر ایوب است (سفر ایوب، فصل ۸، ۶؛ ر.ک: سفر ایوب، فصل ۴؛ سفر ایوب، فصل ۵، ۶ و ۷؛ سفر ایوب، فصل ۱۱، ۴، ۵، ۶، ۱۳، ۱۴، ۱۵). از جمله سخن *سوفر* (صوفر) که خطاب به ایوب گفته: «کاش خدا سخن بگوید و لب‌های خود را بر تو بگشاید؛ پس بدان که خدا کمتر از گناهت تورا سزا داده است» (سفر ایوب، اصحاح، ۵:۱۱)؛ و آنجا که *سوفر* (صوفر) می‌گوید: «گناهانت را از خود دور کن و از بدی دست بردار، تا بتوانی بدون خجالت سر خود را بلند کنی» (سفر ایوب، فصل ۱۱، ۱۴ و ۱۵). سپس شکوائیه ایوب به‌گونه‌ای بیان گشته است که گویی خداوند مسبب سختی‌های اوست (ر.ک: تورات، فصل ۱۶).

در نهایت، تورات ایوب^۳ را با دو شخصیت متفاوت معرفی می‌کند؛ شخصیت اول که در ابتدا و انتهای تورات است، فردی ثروتمند و درستکار است (ر.ک: سفر ایوب، فصل اول)؛ اما در فصل‌های بعد، شخصیت دیگری نمود پیدا می‌کند، و ایوب فردی شکوه‌گر معرفی شده که از این دنیای خویش نالان و ناراضی است (ر.ک: سفر ایوب، فصل سوم) و بلاهای وارد بر او را از جانب خداوند (سفر ایوب، فصل ۶، ۴) و در اثر کردار زشت ایوب^۳ (سفر ایوب، فصل ۶، ۲۹) و گناهان او (سفر ایوب، فصل ۱۱، ۱۴) می‌داند.

۱-۴. حضرت ایوب در اشعار و متون ادبیات عرب

میراث دینی در همه اشکال و نزد همه ملت‌ها، یکی از مصادر مهم الهام شعری به‌شمار می‌رود و شاعران در بسیاری از موضوعات و آثار ادبی خود از میراث دینی استمداد کرده‌اند؛ که در این میان یکی از پرکاربردترین نمادهای دینی، پیامبران الهی هستند (رخشنده‌نیا، ۱۳۹۱)، و یکی از این پیامبران، ایوب است. ایوب یکی از پیامبرانی است که از سوی ابلیس به بلاهای فراوان گرفتار شده؛ اما بردباری او در محنت و رنج در زبان فارسی مثل و نمونه شده‌است (زرشناس، ۱۳۸۴). اما گاه در کتب ادبی عربی شاهد استفاده از این پیامبر خدا در نماد و معنایی جدا از صبر هستیم. چنان‌که ایوب^۳ در شعر شاعران نماد فلسطین را پیدا کرده است و از این جهت که هر دو متحمل درد و رنج بوده‌اند، فلسطین را به ایوب تشبیه کرده‌اند. حال برخی او را به صبر در این مصائب یاد کرده‌اند و برخی او را به شکوه‌گری و گلایه نام برده‌اند. گونه نخست، ایوب شکیب و گونه

دوم، ایوب ناشکیب در فرضیه دو ایوب می‌باشد.

از جمله مواردی که ایوب نماد صبر، رضایت و تسلیم مطلق در برابر اراده و قدر الهی است، می‌توان به کارکرد نمادین ایوب در دیوان شاعرانی چون سمیع القاسم (۱۹۳۹) و محمد درویش (۱۹۴۱-۲۰۸) اشاره کرد (رخشنده‌نیا، ۱۳۹۱).

آنچه که در شعر معاصر عربی و در کارکرد نماد ایوب جلب توجه می‌کند، رویکرد مخالف شاعران در استفاده از نماد ایوب است؛ به گونه‌ای که در قصاید مختلفی نماد ایوب تغییر ماهیت داد و ایوب به نماد عدم صبر و شکیبایی مبدل شده است که این کارکرد حاکی از شرایط و اوضاع نابسامان اجتماعی، سیاسی و معیشتی شاعران و مبارزان است (همان).

از جمله این قصائد، قصیده «امام باب الله» (سیاب، ۲۰۰۵، ج ۲، ص ۲۱۹) است:

ارید ان اعیش فی السلام / کشمه تدوب فی الظلام / بدمعه اموت و ابتسام / تعبت من توقد الهجیر / ...

علاوه بر این، در جداریه نیز شاعر وی را نماد عدم صبر و شکیبایی معرفی می‌کند:

ربما أسرع فی تعلیم هابیل و قابیل: الرمايه / ربما أبطأت فی تدریب ایوب / علی الصبر الطویل (درویش، ۲۰۰۰، ص ۷۲۹).

در اثر دیگری، شاعر ایوب را فردی معرفی می‌کند که از مصیبت‌های خویش نالان و گریان و شکوه‌گر است:

ثار، بکی / مئی علی طریق النائحین و الحواه / مزق ثوب الصبر قال: أه / ... حاول ان یمتدح الخناجر / ان یمتدح صوت مطرب و شاعر / ان یمنع ان الجلال بعض الحمد و المدیح / لکن لسانه المقطوع... (مقاله، ۱۹۸۶، ص ۲۱۳).

۲. بررسی و نقد ایوب دوم

آنچه در داستان ایوب رخ می‌نماید، اعتقاد به گنه‌کاری اوست؛ چنان که رخدادهای پیش آمده را ناشی از گناهان وی و برای تنبیهش می‌پندارد. در این نگرش، خداوند ایوب را مورد بی‌مهری خویش قرار داده و با بی‌تفاوتی نسبت به رنج او، شیطان را بر وی مسلط کرده است. اما آنچه از آیات قرآن استنباط می‌شود چیز دیگری را اثبات می‌کند.

۲-۱. بلا به‌مثابه آزمایش یا تنبیه

ایوب مورد هجوم انواع بلاها قرار گرفت. این بلاها ۱۸ سال و بنا به قولی ۷ سال یا ۳ سال طول کشیده است (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۶ ص ۲۸۵). او در این سال‌ها اموال و فرزندانش را از دست داد؛ مریضی شدیدی بر بدنش مسلط شد و مدت‌ها او را رنج می‌داد؛ تا آنکه دست به دعا بلند کرد و حال خود را به درگاه خداوند شکایت کرد. خداوند دعایش را مستجاب کرد و از مرض نجاتش داد و اموال و اولادش را با چیزی اضافه‌تر به او برگرداند: «فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ فَعَشْنَاَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ آتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ...» (انبیاء: ۸۴). این امر به تصریح خداوند برای رحمت به او و تذکر بندگان عابد، صورت گرفته است؛ تا بدانند خداوند اولیای خود را به منظور آزمایش مبتلا می‌کند، آنگاه اجرشان می‌دهد و اجر نیکوکاران را ضایع نمی‌سازد: «... رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَ ذِكْرًا لِلْعَابِدِينَ» (انبیاء: ۸۴) (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۱۴). از تفسیر آیه فوق برمی‌آید که خداوند برای امتحان بندگان، آنها را دچار غم و اندوه می‌کند (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۷، ص ۳۶۸). بنابراین پروردگار، حضرت ایوب را با رنج‌های عظیم و بیماری‌های نامنفر امتحان کرد (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۳۲۶). این، برخلاف تصور برخی است که رنج‌های ایوب را ناشی از گناهانی که از او سرزده است، دانستند و او را مورد سرزنش قرار دادند و از او درخواست توبه به درگاه خداوند متعال کردند (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۶ ص ۲۸۵).

ظاهر قرآن حکایت از عقوبت ایوب به‌وسیله دردهای وارد شده بر او ندارد؛ بلکه آن را امتحان الهی می‌داند. خداوند می‌فرماید: «وَ اذْکُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَ عَذَابٍ» (ص: ۴۱). «النَّصْب» به‌معنی تعب (رنج، زحمت) بوده، تعب (رنج) نیز زحمت و اندوه خاص عقاب نیست؛ بلکه ممکن است به‌عنوان یک آزمایش و آزمون الهی باشد. «عذاب» هم مانند سایر سختی‌ها، مطلق بوده و مقید کردن به‌معنایی خاص نیازمند دلیل است. به‌همین سبب به شخص ظالم و کسی که ستم را آغاز کرده، «مُعَذَّب» و «مؤلم» (عذاب‌کننده و رنج‌دهنده) و یا مجازا «معاقب» (عقاب‌کننده) گفته می‌شود. از طرفی، واژه «عذاب»، هم‌معنی و مترادف «عقاب» نیست؛ زیرا ظاهر واژه «عقاب» مقتضی تنبیه، تعقیب و عقوبت است؛ درحالی‌که واژه «عذاب» فاقد چنین معنایی است. بنابراین وجه صحیح، امتحان بودن آن است (علم‌الهدی، بی‌تا، ص ۵۹). عذاب در لغت به‌معنای منع است و عذاب را از آن

نگشوده است (ر.ک: میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۶ ص ۲۸۸). باید توجه داشت ابتلائات حضرت ایوب به جهت حسادت ابلیس و خواست او از خداوند برای گمراهی ایوب بوده است. اذن به این امر از جانب پروردگار به جهت اثبات شکرگزاری ایوب از جانب خداوند به ابلیس بوده است. بنابراین نباید پنداشت که او مورد غضب خداوند یا بی‌مهری او قرار گرفته؛ بلکه آنچنان که خداوند می‌فرماید این داستان عبرتی است برای عبادت‌کنندگان و رحمتی است از جانب او به ایوب (انبیاء: ۸۴).

۲-۳. نسبت دادن ظلم به خدا و شکوه‌گری ایوب

نسبت دادن ظلم به خدا از جانب ایوب در تفاسیر (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۶ ص ۲۹۱-۲۹۲؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۶ ص ۲۸۶) حکایت از شخصیت ایوب دوم دارد. اما با استناد به آیات قرآن و نظر مفسران می‌توان گفت:

۱. حضرت ایوب در هنگام دعا از روی بی‌صبری از خداوند طلب عافیت نکرد؛ بلکه از رنجی که از جانب شیطان متوجه او شده بود، به خداوند رجوع کرد: «... أَنَّى مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ...» (ص: ۴۱؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۶ ص ۹۱-۹۲). بنابراین نباید پذیرفت که ایشان بلاهای وارد بر خود را از جانب خدا دیده و از او طلبکارانه درخواست رهایی از آن حال را داشته است.

۲. آیه «وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَ نوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ داوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ أَيُّوبَ وَ يُوسُفَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (انعام: ۸۴)، ایوب را در شمار انبیاء هدایت‌یافته در ذریه ابراهیم معرفی کرده است؛ لذا همه نسبت‌های ناروای واردشده به ایوب به نوعی با این آیه در تعارض است و هیچ ارزشی ندارد.

۳. علاوه بر اینها، متهم کردن خداوند به ظلم و نسبت افترا دادن به او، موجب غضب الهی و ذلت در زندگی دنیا خواهد شد: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيِّئًا لَّهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ ذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ» (اعراف: ۱۵۲). اما در حکایت ایوب، به‌وضوح و در همه متون مشاهده می‌شود که خداوند بعد از استجاب دعای ایوب و شفای بیماری‌اش، مال و نعمت فراوانی به او داد؛ حتی بیش از آنچه پیش‌تر داشت. بنابراین ذلت در زندگی دنیا با متنعم ساختن ایشان سازگاری ندارد. از این جهت روا نیست نسبت ظلم به خدا را از زبان ایشان پذیرفت.

۴. از طرف دیگر، شیعه ارتکاب تمامی معاصی و نافرمانی‌ها را از

جهت عذاب گویند که از راحتی و آسایش منع می‌کند و آن را از بین می‌برد (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۳۰۹). عقاب و عقوبه از آن جهت که بعد از گناه می‌آید، با این عنوان خوانده شده است؛ چراکه اول گناه است بعد عقاب (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۷۸).

بلاهای وارده بر ایوب^ع نه از روی تنبیه و عقاب، بلکه از روی امتحان و رسیدن به علو درجات و طی کردن مسیر درجات قرب الهی بوده است. مواجهه وی با بلاها و سختی‌ها می‌تواند نمودی از جلوه‌های والای صبر و استقامت برای پیامبران و امت‌های بعدی تا قیامت قرار گیرد. لذا با استفاده از تعبیر کلمات نصب و عذاب و رحمت پروردگار در آیات قرآن، علت این وقایع، گنه‌کاری و تنبیه ایوب نبوده است.

۲-۲. تسلط شیطان بر بدن ایوب

هنگامی که ابلیس نجوای فرشتگان را پیرامون عبادات حضرت ایوب شنید، بر او حسد ورزید (مکی‌بن‌حموش، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۶۲-۵۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۶ ص ۲۸۸؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۴، ص ۳۰۱) و تصمیم گرفت او را از ذکر و عبادت خدا بازدارد و چنان دنیادستان و مترفان او را به غفلت اندازد (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۶ ص ۲۸۳). از این‌رو، از خداوند خواست تا او را بر مال ایوب مسلط گرداند. خداوند این اجازه را به وی داد. در این هنگام نیز حضرت ایوب با از دست دادن اموال فراوانش دست از شکرگزاری خداوند برنداشت. پس از این، ابلیس از خداوند خواست تا او را بر فرزندان او مسلط گرداند. در این حال نیز او دست از شکرگزاری خداوند برنداشت. در نهایت ابلیس از خداوند تسلط بر بدن ایوب را خواست، تا او را دچار کفران کند. خداوند خواسته او را برآورده کرد و ابلیس را بر تن ایوب بجز بر دل، فکر و زبانش، مسلط کرد. به این ترتیب ابلیس او را بیمار کرد (ص: ۴۱) (ج‌الدالمولی، ۱۳۸۰، ص ۲۸۹-۲۹۳؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۶ ص ۲۸۴؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۹۴). این بیماری شدت بسیاری پیدا کرد. شیطان مردم را برای ترک او وسوسه می‌کرد (علم‌الهدی، بی‌تا، ص ۱۱۱)؛ و مردم نیز او را رها کردند. علاوه بر این، مردم را به دوری از همسرش نیز وسوسه می‌کرد. ایوب^ع که بسیار رنجیده و متألّم گشته بود، می‌دانست این بیماری از جانب خداوند است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۷۴۵)؛ همچنان صبورانه شکرگزار او بود. در نهایت پس از گذشت چند سال و ناامید شدن ابلیس از کفران ایوب^ع تصمیم گرفت او را از طریق همسرش گمراه کند. این امر بیانگر این است که در طی این سال‌ها ایوب لب به ناشکیبایی

اختلاف مورد، اسامی مختلفی داشته باشد: ۱. اگر صبر و شکیبایی نفس برای مصیبتی باشد، واژه صبر به کار می‌رود، نه چیز دیگر، که ضدش جزع و بی‌تابی است. ۲. اگر صبر در جنگ و محاربه باشد، شجاعت و پایداری نامیده می‌شود، که ضدش ترس و جبن است. ۳. هرگاه صبر در کاری ملال‌آور و دل‌تنگ‌کننده باشد؛ ظرفیت داشتن و دلداری بودن نامیده می‌شود، که ضدش کم ظرفیتی و ضجر و دل‌تنگی است. ۴. زمانی که صبر در خودداری از کلام و سخن گفتن باشد، کتمان نامیده می‌شود و ضدش فاش کردن سخن و ناآرامی است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۰۵). خداوند تمام معانی فوق را «صبر» نامیده و در آیاتی به آن آگاهی داده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷۴). با در نظر گرفتن معانی ذکرشده برای واژه صبر، به نظر می‌رسد معنی اول آن که شکیبایی در برابر مصیبت است، در مورد حضرت ایوب بیشتر صادق باشد؛ چراکه جنگ و دل‌تنگی و کار ملال‌آور و خودداری از کلام در داستان آن جناب صدق نمی‌کند.

ایوب در قرآن با واژه صابراً و اواب و نعم‌العبد توصیف شده است. مسلماً کسی که در یک مقطع زمانی ناشکر و گلايه‌مند باشد، نمی‌تواند با این وصف‌ها توصیف شود؛ چه اینکه اوصاف یادشده مطلق است و اگر اینها شخصیت فرد نباشد، با این اوصاف خواننده نمی‌شود. به این معنا که نمی‌توان گفت فردی از صد سال زندگی‌اش بجز پنج سال صابر است و وصف صابر و اواب و نعم‌العبد توصیفات دائمی هستند، و زمانی که شخصی با آنها شناخته شود، بدین معناست که در تمام ادوار زندگی‌اش آن‌گونه بوده است.

از آنجاکه لغت‌شناسان ضد واژه صبر را جزع و بی‌تابی بیان کرده‌اند؛ بنابراین لازم است این کلمه مورد بررسی قرار گیرد.

جزع: جزع در لغت به معنای بی‌تابی و ناله است. جزع رساتر از حزن است؛ جزع حزنی است که انسان را از چیزی که درصدد آن است، بازمی‌دارد و او را از آن کار جدا می‌سازد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۵). در نتیجه از آنجاکه خداوند ایوب را با واژه صابراً توصیف کرده است؛ بنابراین پذیرفتن جزع و فزع و بی‌تابی‌های نسبت داده‌شده به حضرت ایوب ناشایست و مخالف با قرآن است.

عَبْدٌ: عبد در قرآن به دو معنا آمده است: یکی به معنای بنده مملوک: «لُحْرٌ بِالْحُرِّ وَ الْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَ الْأَثْنِي بِالْأَثْنِي» (بقره: ۱۷۸) و دیگری به معنای عابد و مطیع خدا در اخلاص و عبادت و اطاعت: «وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ» (ص: ۴۱) و «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ

پیامبران نفی می‌کند (علم‌الهدی، ۱۳۷۷، ص ۲۶). عقل و نقل نیز حکم می‌کنند بر اینکه انبیاء به عصمت خدایی، معصوم از گناه و خطا هستند؛ چه گناه بزرگ و چه کوچک (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، ص ۱۹۴). خداوند نیز خود را از ظلم بری می‌داند: «أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ» (آل عمران: ۱۸۲).

۵. ابا و شرم ایوب از دعا برای خویش درحالی که برای بیماران طلب عافیت می‌کرد و آنها شفا می‌یافتند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۳۱؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۱، ص ۳۷۶). نشان از رضایت او به خواست الهی دارد. ۶. زمانی که ابلیس به همسر ایوب گفت برای رهایی از بلاهای ایوب، برای شیطان قربانی کند؛ ایوب در پاسخ با یادآوری و مقایسه تعداد سال‌های تنعم و بلا، او را به عدل و انصاف و صبر دعوت کرد (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۴، ص ۳۰۶). این نشان از قدرشناسی و عبد مطیع خدا بودن ایوب دارد. کسی که چنین پاسخ می‌دهد و الطاف و نعمت‌های الهی را نادیده نگرفته است، چگونه می‌تواند خداوند را به ظلم محکوم کند!

۲-۴. گواهی قرآن بر نزاهت ایوب

با در نظر گرفتن آیات قصه ایوب چند لغت به‌عنوان تعیین‌کننده و اساس رفتار و جایگاه آن حضرت مشاهده شد که می‌توان با بررسی آنها به رفتار آن حضرت در مواقع مصیبت‌ها پی برد. کلمه ایوب در قرآن ۴ بار تکرار شده است (نساء: ۱۶۳؛ انعام: ۸۴؛ انبیاء: ۸۳؛ ص: ۴۱). با در نظر گرفتن سیاق و لغات موجود در داستان ایوب، خداوند ایشان را با چند صفت توصیف کرده است:

صابراً: در سوره «ص» او را صابر، بهترین عبد، و اواب نامیده است (ص: ۴۴؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، ص ۲۱۲). قرآن گواه روشنی است بر صورت بودن حضرت ایوب علیه السلام، و او را به صبر و شکیبایی ستوده است؛ آنجاکه می‌فرماید: «إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا». چون «ایوب» مال و فرزندان و نعمت‌های دیگر را از دست داد، شیطان همواره این مصائب را بر او یادآور می‌شد تا او را گمراه کند و صبر خود را از دست بدهد؛ ولی «ایوب» صبر و استقامت خود را از دست نداد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۷۴۵) و در برابر بیماری (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۲۸۴) و از دست دادن اهل و مالش صبر کرد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، ص ۲۱۰). برای روشن شدن مطلب به واکاوی مفهوم واژه صبر پرداخته شده است.

الصَّبْرُ: صبر و شکیبایی لفظ عامی است و چه‌بسا برحسب

پاداش شکرگزاری: از آنجاکه خداوند در قرآن وعده افزایش در برابر شکرگزاری، و وعده عذاب در برابر کفران و ناسپاسی را داده است؛ می‌توان با در نظر گرفتن آیات: «وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ» (انبیاء: ۸۴) و «وَ وَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ» (ص: ۴۳) نتیجه گرفت که افزایش نعمت برای ایوب در مقابل شکرگزاری او بوده است نه گلاویه‌ها و کفران و حتی توبه او: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم: ۷). علاوه بر این، در هر دو آیه، خداوند بعد از اعطای نعمات به ایوب، به رحمت خود اشاره می‌کند: «رَحْمَةً مِنَّا» (ص: ۴۳)، «رَحْمَةً مِن عِنْدِنَا» (انبیاء: ۸۴).

گویا لحن خداوند در قصه ایوب مبتنی بر این است که او فردی است که بسیار به خداوند توجه داشته و بنده خوب خدا و هدایت‌یافته و هدایتگر بوده است. توصیف خداوند از ایوب به‌عنوان فرد صابری است که برای رهایی از بیماری‌اش، مستقیماً درخواست نکرده و به گفتن انت ارحم الراحمین اکتفا می‌کند. پس از استجابت دعایش، خداوند بیش از آنچه را که داشته به او عطا کرده است. به کار بردن رب، ربی و انت ارحم الراحمین نشانگر نوعی رابطه عمیق میان او و پروردگار است.

با رجوع به کاربردهای قرآنی و سنت تفسیری آن، از جمع‌بندی و تحلیل داده‌های موجود در این بخش به جرئت می‌توان فرضیه دو ایوب را مورد نقد قرار داد. ایوب دوم تنها ناشی از شخصیت‌پردازی برخی نویسندگان و یا تأثیر سنت‌های متغیر حاکم بر زمانه بوده است. در نتیجه تنها ایوب مقدمه و مؤخره (شکیب)، همان ایوب معرفی شده توسط خداوند است.

۳. زمینه‌ها و عوامل بروز دوگانگی شخصیتی ایوب

در ذیل به مهم‌ترین زمینه‌ها و عوامل پدید آمدن اتهامات مذکور و پیدایش دوگانگی شخصیتی آن حضرت پرداخته شده است.

۳-۱. تأثیر فرهنگ یهود

بنا به آموزه‌های سنتی دین یهود، رابطه گناه و کیفر و جزای آن، امری است دنیوی (پیک، ۱۹۵۲، ص ۲۱). قوم یهود پس از بازگشت از تبعید بابل، بر این باور ایمان یافت که تکلیف (شرب و شقی) در همین جهان تعیین می‌شود و مرگ پایان همه‌چیز است. براین اساس داوری و اسپین و دوزخ و فردوس در اندیشه دینی قوم یهود وجود نداشت. به پندار یهودیان عهد ایوب، بلایا و فجایع طبیعی و غیرطبیعی نیز نه از جانب

عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابِ» (کهف: ۱). عبارت «إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا» تعلیل جمله «و اذکر» و یا تعلیل جمله «عبدنا» است و چنین معنا می‌دهد که اگر ما او را عبد نامیدیم و یا عبد خود نامیدیم، برای این است که ما او را صابر یافتیم (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، ص ۲۱۰).

أَوَّابٌ: صیغه مبالغه از «أوب» به معنای رجوع است؛ مراد از آن کسی است که بسیار به سمت خداوند رجوع می‌کند (همان، ج ۱۷، ص ۱۸۹). جمله «نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص: ۳۰)، مدح ایوب است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، ص ۲۱۰). زمانی که مالش را از دست داد گفت: این عطای خداوند است؛ به همین دلیل اواب خوانده شده است: «إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص: ۴۴؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۶۹).

الضُّرُّ: برای روشن شدن نوع و شدت بیماری آن حضرت کلمه ضر در کتب لغت بررسی شده است. ضر با ضم (ض) را بدحالی گفته‌اند: «الضُّرُّ: سُوءُ الْحَالِ»؛ اعم از آنچه در نفس باشد، مثل فقد علم و عفت؛ یا در بدن، مثل نقص عضو؛ یا در حال، مثل کمی مال و جاه (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۰۳). در نتیجه بیماری ایشان ممکن است حتی یک بدحالی مختصر بوده باشد و از این کلمه، دمل‌های چرکین و خونابه و تعفن و کرم زدن و... استنباط نمی‌شود.

مُحْسِنِينَ: محسنین به معنای نیکوکاران آمده است. این اسماء فاعل، در قرآن به‌جای صفت مشبیه به کار رفته‌اند و از آنها ثبوت، اراده شده است. احسان بالاتر از عدل است؛ زیرا عدل آن است که آنچه بر عهده دارد، بدهد و آنچه برای اوست، بگیرد؛ ولی احسان آن است که بیشتر از آنچه بر عهده دارد، بدهد و کمتر از آنچه برای اوست، بگیرد (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۳۶-۱۳۷). همچنین مفهوم احسان از انعام و بخشیدن وسیع‌تر و عمومی‌تر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۳۶). توصیف ایوب با واژه محسنین در آیه «وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا... وَ مِن دُرِّيَّةٍ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ أَيُّوبَ... وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» آمده است.

توجه به خدا در هنگام مصیبت: هنگامی که فرزندانش را از دست داد، گفت: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» (بقره: ۱۵۶؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۶۹).

از ذریه ابراهیم: ثنای جمیل خداوند نسبت به آن حضرت از آنجا مشاهده می‌شود که خداوند ایوب را در سوره انعام در زمره انبیا و از ذریه ابراهیم شمرده، و نهایت، درجه ثنا را بر او خوانده (انعام: ۹۰؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، ص ۲۱۲).

در دوره زمانی (و حتی مکانی) متمایز؛ بلکه توسط دو مؤلف متمایز با دو رویکرد و دیدگاه متمایز نگاشته یا سروده شده‌اند. حداقل تمایز کلی این دو بخش کتاب این است که دیدگاه و رویکرد بخش منشور، دینی و منطبق با اعتقادات و سنت جاری در ادیان ابراهیمی، یعنی رویکرد تسلیم است. درحالی که دیدگاه و رویکرد بخش منظوم، فکری - فلسفی و منطبق با چالش‌های مرسوم در جریان‌های کلامی و فلسفی است (ر.ک: امینی، ۱۳۹۳).

تورات کنونی به شهادت خود متن و عقول حکمای تلمود، تورات موسی ﷺ نیست (ر.ک: اسپینوزا، ۱۹۹۴، ص ۲۶۵-۲۸۲). نگارش هریک از اسفار تورات، قرن‌ها با هم فاصله داشته و قرن‌ها پس از رحلت حضرت موسی ﷺ تدوین شده و به صورت کنونی درآمده است (محمدقاسمی، ۱۳۸۰، ص ۱۵). در اینکه زمان نگارش اسفار تورات و کتاب آن به زمانی پس از زمان حضرت موسی ﷺ و توسط شخص دیگری منسوب و مکتوب شده است، شکی نیست. محققان در این راستا نظریاتی ارائه داده‌اند:

۱. متن تورات کنونی به مدت حدود هزار سال، یعنی از زمان حضرت موسی ﷺ تا زمان تدوین آن توسط عزرا در قرن ۵ ق.م به شکل شفاهی تداول داشت و در این مدت طولانی، علاوه بر افزوده‌هایی که عزرا و سایر نویسندگان در متن وارد کرده بودند، متن تورات از معانی اصلی‌اش دور شده بود (راجی فاروقی، ۱۹۹۸م، ج ۲، ص ۸).

۲. نویسنده کتاب ایوب یکی از خردمندان مشرق‌زمین بوده و از قوم بنی‌اسرائیل نیست و به طوری که از تحقیقات کتاب‌شناسی برمی‌آید، متن عربی اثر نشان می‌دهد که اصل داستان ترجمه‌ای از زبان‌های آرامی یا عبری بوده است. اما از آنجاکه یک‌دست بودن کتاب مورد تردید است و از نظر متخصصان مقادیری از آن کاسته یا بدان افزوده شده است؛ لذا اینکه سخن از یک نویسنده و از یک زبان باشد نیز در آن جای بحث است (نجفی، ۱۳۷۸).

۳. تورات اصلی موسی ﷺ قرن‌ها پیش از نزول قرآن در فتنه‌ها و جنگ‌های فلسطین از میان رفته است. جمعی از محققان و دانشمندان اروپا، مانند: یوسییس و آدام کلارک و هورن و امثال ایشان معتقدند که نسخه تورات اصلی پس از وفات موسی ﷺ در صندوق شهادت بوده و علماء بنی‌اسرائیل برحسب وصیت موسی ﷺ در هر هفت سال یک‌بار آن را بیرون می‌آوردند و بر بنی‌اسرائیل می‌خواندند؛ و آن کتاب در همان روزگار قدیم مفقود شده و به عقیده

شیطان یا طبیعت؛ بلکه از جانب یهوه صادر می‌شده است. برای آنان هیچ قدرتی جز قدرت یهوه نمی‌توانست وجود داشته باشد و هر امری ولو زشت و پلید نیز نمی‌توانست خارج از اراده یهوه باشد. از این‌رو، بیماری‌ها و رنج‌های بشری نیز از سوی او بر افراد گناه‌کار، به‌مثابه تنبیه نازل می‌شده است. شر در نزد مردمان آن زمان، گونه‌ای تنبیه بوده است. بنابراین یهودی عهد ایوب، فقط کسی را شایسته رنج می‌دید که گناهکار باشد (نجفی، ۱۳۷۸). در حقیقت شخصیت دوگانه ایوب ناشی از شیوه نگارش تورات، که متأثر از این فرهنگ و تفکر یهود بوده است، شکل گرفته؛ اما ایوب، این تئوری ساده که رنج را به‌مثابه تنبیه، تلافی یا مکافات اعمال لحاظ می‌کند، نمی‌پذیرد (امینی، ۱۳۹۳). ادعای او مبنی بر بی‌گناهی‌اش و اصرار اطرافیانش بر گناه کاری او، آنجا که آموزه غالب گفت‌وگوهای دوستان ایوب به رابطه گناه انسان و کیفر آفریدگار اشاره دارد، تأکیدی است بر این عقیده (ر.ک: کتاب ایوب، فصل ۶، آیه ۲۴).

۲-۳. اسرائیلیات و جعل حدیث

رجوع به کتب حدیثی دوگانگی شخصیتی ایوب را به نمایش درآورد. چنان‌که در روایتی جعلی (دیاری، ۱۳۸۳، ص ۲۵۷) از امام صادق ﷺ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۳۴۳) شاهد نسبت‌های ناروا به جناب ایوب هستیم. همان نسبت‌هایی که در متن تورات، مقدمه‌ساز پیدایش شخصیت ناشکیب او گشته است. از طرفی دیگر، حدیثی مبنی بر وجود ایوبی با ویژگی‌های ایوب مقدمه و مؤخره یا ایوب شکیب (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۴) یافت شد. نیز امام صادق ﷺ از پدر بزرگوارشان روایتی در رد اتهامات واردشده بر حضرت ایوب ﷺ و دفاع از ساحت ایشان نقل کرده‌اند (صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۹۹-۴۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۳۴۸-۳۴۹). در نتیجه، نمود شخصیتی دوگانه آن جناب، بیانگر رسوخ آموزه‌های یهودیت، علاوه بر متون تفسیری و ادبی، به متون حدیثی نیز هست.

۳-۳. شیوه نگارش اسفار تورات

از آنجاکه در کتاب ایوب شاهد دو روایت متفاوت و دوگانگی شخصیتی حضرت ایوب هستیم؛ به‌نظر می‌رسد نویسنده یا نویسندگان متعددی در کار تدوین آن نقش داشته‌اند. در حقیقت این دو ایوب چنان متفاوت ظاهر می‌شوند که باید گفت این کتاب نه تنها

او نزد پروردگار افزون گردد. از طرفی پیامبران الهی افرادی برگزیده و مقرب به درگاه الهی هستند و روا نیست به آنان نسبت‌های ناپسند داد و برای رسیدن به مقاصد دنیوی در پشت چهره آنان رخ پنهان کرد؛ آنچنان که برخی شاعران در نقاب ایوب بی‌صبر، خواستار رسیدن به مقاصد خود هستند.

نتیجه‌گیری

۱. فرضیه دو ایوب، بیانگر دو شخص متفاوت نیست؛ بلکه حاکی از دو شخصیت متفاوت است. شخصیت شکیب (JP) در بخش مقدمه و مؤخره کتاب (منثور)، و شخصیت ناشکیب (JIP) در بخش گفت‌وگوها (منظوم) در کتاب تورات مشاهده شد.

۲. خاستگاه این فرضیه، کتاب توراتی است که سال‌ها پس از موسی علیه السلام تدوین گشته است و پس از آن به متون اسلامی و ادبی راه یافته است.

۳. در تورات نوشته‌شده پس از موسی علیه السلام تمایلات نفسانی، منافع شخصی، سلیقه‌های شخصی و حتی فرهنگ‌های متغیر زمانه، موجب نگارش ابعاد داستانی غیرهدایتی ماجرا و پیدایش شخصیت دگرگونی از حضرت ایوب گشته است.

۴. براساس سنت‌های متغیر حاکم بر زمانه بیماری‌ها و رنج‌های بشری از سوی خداوند بر افراد گناهکار به‌مثابه تنبیه نازل می‌شده است. از این رو، ابتلائات ایوب ناشی از گناهان وی و تنبیه او شمرده شده است. این دوگانگی شخصیتی با گذشت زمان به متون دیگر راه یافته است.

۵. با تمسک به آیات و استدلالات قرآنی و حدیثی شخصیت ناشکیب و گنه‌کار ایوب که در بخش منظوم کتاب تورات نگاشته شده، جعلی و باطل است.

۶. دشواری‌های زندگی در خصوص پیامبران الهی که از عصمت برخوردار هستند، به‌دلیل گناهان نیست؛ بلکه گاه علت آن ابتلاء الهی است که پس از پیروزی انبیاء، سبب تصدی سایر مناصب الهی و علو درجات ایشان می‌گردد؛ همچنان که الگوی نکویی فراروی پیامبران بعدی و عموم مردم قرار گیرند. به‌ویژه در عرصه صبر و شکیبایی مقرون با رضایت از خداوند؛ در همه آزمون‌های دشوار الهی علی‌رغم از دست دادن فرزندان، طعنه بی‌شمار مردم و شدت بیماری، که جلوه کم‌نظیری از ایوب را در میان پیامبران نمایان ساخت.

جمعی از محققان، پس از مفقود شدن نسخه اصلی تورات، عزیر پیامبر به کمک «حجی» و «زکریا» که ایشان نیز از پیامبران بوده‌اند؛ تورات را بازسازی کردند و این نسخه نیز در حوادث و فتنه‌های بعد ناپدید شد (بلاغی، ۱۳۸۱، ص ۳۴۶).

ترکیب و اختلاط مطالب دینی با مواد بشری و عدم وجود اسنادی که تعلق تورات کنونی را به عصر موسی علیه السلام اثبات کند (محمود همدی، ۱۳۸۳) نشانگر دست بردن در آموزه‌های آن و تغییر مبانی آن است. حتی اگر از عمدی بودن ورد این مسائل به این کتاب بتوان اغماض کرد؛ تأثیر گذشت زمان و فرهنگ حاکم بر زمانه را نمی‌توان نادیده گرفت. اما به جرئت می‌توان گفت فرضیه دو ایوب به‌معنای وجود دو ایوب تاریخی نیست؛ بلکه به‌معنای وجود سنت‌های شفاهی و مکتوب مختلف تاریخی در ادوار مختلف در باب ایوب است، که آرام آرام به کانون کتاب مقدس راه یافته است (امینی و جلالی‌مقدم، ۱۳۹۴).

به‌هرحال از آنجاکه این صحف به‌معنای واقعی خود تألیفی نیستند و مؤلف واحدی ندارند؛ بلکه تحریری هستند و چندین مؤلف یا محرر دست‌اندرکار ویرایش، تدوین و جرح و تعدیل آنها در دوره‌های مختلف زمانی بوده‌اند (همان)؛ بدیهی است با توجه به این شیوه نگارش و نقص زمانی و مکانی تدوین تورات، دخل و تصرف افکار و اعتقادات مؤلفان و فرهنگ‌های متغیر زمانه در آن دور از انتظار نباشد.

در نتیجه خاستگاه فرضیه دو ایوب، از تورات آغاز گشته و به‌تدریج با نشر عقاید، آموزه‌ها و رسوبات فکری یهودیت به متون تفسیری و حدیثی مسلمانان، موجب انتقال این‌گونه افکار به تراث اسلامی و پس از آن به متون ادبی گشته است. این فرضیه تنها تحت اهداف نویسنده یا نویسندگان یا تحت تغییر سنت‌های حاکم بر زمانه نگارش یافته است. آنچه مهم است اینکه با مبانی دینی سازگاری ندارد. باید پذیرفت با تأیید آیات قرآن و روایات موجود، تنها بخش مقدمه و مؤخره کتاب، از صحت برخوردار است و بخش منظوم آن، تحت دست‌برد بشری قرار گرفته و از اساس باطل است. آغاز نگارش این کتاب از ایوب دوم نیز مورد نقد قرار می‌گیرد. نسبت ناشکیبایی، گنه‌کاری و نزول چهره انسانی او، درخور ساحت مقدس آن جناب نبوده و نیست.

در نهایت موضوع اصلی داستان ایوب، اثبات این امر است که همواره گناه موجب ابتلا نیست؛ بلکه با بلا و مصیبت که برای آموذن بنده صالح مقرر می‌شود، بنده مقرب باید صبوری و پایداری در برابر سختی‌ها و مصیبت‌ها پیشه کند (زرشناس، ۱۳۸۴)، تا مقام

سیاب، بدر شاکر، ۲۰۰۵م، *الاعمال الشریه الکامله*، بیروت، دارالعودة.

سیدمرتضی، علی بن حسین (علم الهدی)، بی تا، *تجزیه الانبیاء*، قم، شریف الرضی.

_____، ۱۳۷۷، *پژوهشی قرآنی درباره عصمت پیامبران و امامان*، تحقیق امیر سلمانی رحیمی، مشهد، آستان قدس رضوی.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۰۴ق، *الدر المشهور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۳ق، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.

_____، ۱۳۷۸، *عیون أخبار الرضا*، تهران، جهان.

صنعانی، عبدالرزاق بن همام، ۱۴۱۱ق، *تفسیر القرآن العزیز*، بیروت، دارالمعرفه.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان*، بیروت، مؤسسه الأعلمی.

طبرانی، سلیمان بن احمد، ۲۰۰۸م، *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم*، اربد، دار الکتاب الثقافی.

طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، تهران، ناصرخسرو.

طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه.

فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، چ سوم، تهران، مکتبه الصدر.

قرشی بنابی، علی اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، چ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

قرطبی، شمس الدین، بی تا، *الجامع لاحکام القرآن*، تحقیق احمد البردونی و ابراهیم اطفیش، چ دوم، قاهره، دارالکتب المصریه.

قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳، *تفسیر القمی*، چ سوم، قم، دار الکتاب.

کتاب مقدس (عهد جدید)، ۲۰۰۵م، ترجمه هزاره نو بر مبنای زبان اصلی، ایلام، انگلیس.

کاشانی، فتح الله، ۱۳۳۶، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی اسلامیه.

ماتریدی، محمد بن محمد، ۱۴۲۶ق، *تأویلات أهل السنة*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، چ دوم، بیروت، دارالفکر.

_____، ۱۴۰۴ق، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، چ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

محمدقاسمی، حمید، ۱۳۸۰، اسرائیلیات و تأثیر آن بر داستان های انبیاء در تفاسیر قرآن، تهران، سروش.

محمود هدیدی، احمد، ۱۳۸۳، «مطالعات قرآنی در آلمان: انگیزه های و دستاوردها»، ترجمه سعید زعفرانی زاده، *اندیشه صادق*، ش ۱۵، ص ۲۲-۲۵.

مقالح، عبدالعزیز، ۱۹۸۶م، *الاعمال الشعریه الکامله*، بیروت، دارالعودة.

مکی بن حموش، ۱۴۲۹ق، *الهدایة إلى بلوغ النهایة*، جامعه الشارقة، کلیة الدراسات العلیا و البحث العلمی، شارجه.

میبدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱، *کتشف الاسرار و عدة الابوار*، چ پنجم، تهران، امیرکبیر.

نجفی، رضا، ۱۳۷۸، «اندیشه های درباره ایوب عهد عتیق به بهانه بازخوانی کتاب رنج ایوب»، *کتاب ماه دین*، ش ۲۹، ص ۳۰-۳۳.

Ginsberg, Harold Louis, 2007. *Job The Book of, Enc. Judaica*, ed. Fred Skolnic, V.11, New York, Macmillan Reference USA.

Illman, Karl-john, 2003. *thodicy in The World of Bible*, ed. Antti Laato, Leiden, Brill.

Peake, Arthur S, 1952, *A Commentary on the Bible*, London, Routledge.

منابع.....

ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ق، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، آستان قدس رضوی.

اسپینوزا، باروخ (بندیکت)، ۱۹۹۴م، *رساله فی الالهوت و السیاسیه*، ترجمه و مقدمه حسن حنفی، بیروت، دارالطبعه.

امینی، مریم و مسعود جلالی مقدم، ۱۳۹۴، «بررسی و نقد تاریخی کتاب ایوب»، *معرفت ادیان*، ش ۲۲، ص ۷۵-۸۶.

امینی، مریم، ۱۳۹۳، «بازخوانی سنت های فکری - کلامی در کتاب ایوب»، *معرفت ادیان*، ش ۱۸، ص ۲۳-۳۴.

ألوسی، محمود بن عبدالله، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

بحرانی، سیدهاشم، ۱۴۱۵ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه البعثه، قسم الدراسات الاسلامیه.

بروجردی، محمدابراهیم، ۱۳۶۶، *تفسیر جامع*، چ ششم، تهران، کتابخانه صدر.

بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ق، *تفسیر بغوی المسمی معالم التنزیل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

بلاغی، صدرالدین، ۱۳۸۱، *قصص قرآن*، چ هجدهم، تهران، امیرکبیر.

ثعلبی، احمد بن محمد، ۱۴۲۲ق، *الکشف و البیان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

جالدالمولی، محمداحمد، ۱۳۸۰، *قصه های قرآنی*، چ دوم، قم، پژوهشگاه اندیشه.

حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نور الثقلین*، چ چهارم، قم، اسماعیلیان.

درویش، محمود، ۲۰۰۰م، *الاعمال الشعریه الکامله*، بغداد، دارالحریه.

دیاری، محمدتقی، ۱۳۸۳، *پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر قرآن*، چ دوم، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.

راجی فاروقی، اسماعیل، ۱۹۹۸م، *اصول الصهیونیه فی الدین یهودی*، قاهره، مکتبه وهبه.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار الشامیه.

رخشنده نیا، سیده اکرم، ۱۳۹۱، «هنجارشکنی شاعران معاصر عربی در کاربرد داستان های دینی پیامبران»، *پژوهش های نقد و ترجمه زبان و ادبیات عربی*، سال دوم، ش ۵، ص ۱۶۱-۱۸۰.

زرشناس، زهره، ۱۳۸۴، «قصه حضرت ایوب علیه السلام به روایت سعدی»، *نامه پارسی*، سال دهم، ش ۳۸، ص ۶۵-۷۵.

زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، تصحیح حسین احمد مصطفی، چ سوم، بیروت، دار الکتاب العربی.

سمرقندی، نصر بن محمد، ۱۴۱۶ق، *تفسیر السمرقندی*، بیروت، دارالفکر.